

متن پرسش

«بکشید ما را؛ ملت ما بیدارتر می شود. بریزید خونها را؛ زندگی ما دوام پیدا می کند. این نهضت باید زنده بماند و زنده ماندنش به این خونریزیهاست...» آیا اگر رهبر کبیر انقلاب امروز در کنار ما می بودند، همان پیامی که بعد از شهادت استاد مطهری اعلام کردند را در مورد شهادت سید مقاومت اعلام نمی کردند؟ آیا گریه و بغض اشخاصی مثل آن خانم مجری شبکه المیادین در خواندن خبر شهادت سید مقاومت گواه بر این بیداری ملت ها نیست؟ آیا این طرز جاری شدن نام شهید و سید الشهدای مقاومت بر لبان مجری خانمی که در ظاهر اصلاً به شریعت اسلام مقید نیست و شاید مسلمان هم نیست، از تقدیس و تکریم شهید و شهادت در ذهن او و ارادت قلبی او به شهیدان راه مقاومت در جانش پرده بر نمی دارد؟ آیا این پدیده ها تأییدی بر پیام امام نیست که زنده ماندن این نهضت به این خونریزیهاست؟ آیا شهادت مجاهدی دلیر و حکیمی بزرگوار و با بصیرت همچون سید حسن نصرالله رحمت الله الیه و به جوش آمدن خون هزاران هزار آزاده در سرتاسر جهان گواه بر این نیست که خداوند دعای امام کبیر انقلاب را مستجاب نموده و مشعل شهادت را برای ما تا به حال حافظ و نگهبان بوده تا با روشن بودن این مشعل اسلام راستین زنده بماند و هر روز بیشتر از دیروز در صحنه روزگار حاضر باشد، حقانیت خود را در برابر چشمان بیدار آشکار کند و باطل بودن و کفر و استکبار و ظلم بودن جبهه مقابل آن را هر چه بیشتر برای بشریت عیان کند؟ پس شهادت قهرمانانه و زیبای سید مقاومت را باید به او و جبهه مقاومت تبریک گفت و نگران نبود، چراکه شهادت این قامتان تاریخ همیشه ضامن امتداد راه و مکتبشان بوده و ان شاء الله همچنان هم خواهد بود. ولی آیا نباید آن وقتی ترسید و نگران بود که تن رهبر مکتب سالم بماند ولی خود مکتب به سمت انحراف و سازش با استکبار برود؟ کما اینکه این خطر از سوی جبهه خودی بسی شدیدتر حس می شود و خدا نکند روزی بیاید که سازشکاران در پشت واژه های دلربا و فریبنده صلح و عقلانیت بر ما چیره شوند که در آن صورت شهادت و مقاومت در اذهان بی معنا شود و خداوند دیگر ما را لایق مقام شهادت نداند و این مشعل فروزان خاموش گردد که حاصل آن چیزی نخواهد بود جز زندگی در اوج ذلت و بردگی و انحطاط انسانیت و به سر بردن در روزمرگی ظلمات بی معنایی زندگی! التماس دعا

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حقیقتاً چه کسی باور می کرد که حضرت روح الله «رضوان الله تعالی علیه» پس از قبول قطعنامه همچنان از خداوند تقاضا کنند که مشعل شهادت خاموش نشود. راستی را! چه

اسراری در حضور شهید برای ادامه این راه در میان است که او یعنی شهید برای ادامه این راه باید زنده‌تر از حیاتی باشد که در زندگی دنیایی خود دارد تا بتواند به همراهان خود دلداری و امیدواری دهد که «أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ». و این است که ملاحظه می‌کنید مجاهدان حزب الله امیدوارتر از دیروز خود که سید مقاومت در کنارشان بود؛ در صحنه حاضرند. این به جهت آن است که سید مقاومت در بصیرتی جدید، نابودی اسرائیل را نه مانند دیروز که پیش‌بینی می‌کرد؛ بلکه احساس می‌کند و به حکم قرآن که فرمود: «يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ» بشارتی و آینده‌ای بزرگ را که در میان است به جبهه مقاومت در هر کجا که هست، خبر می‌دهد و هرگز نباید از این نکته مهم غفلت کرد. آری! هرگاه که حضوری الهی در تاریخ همراه با شهادت به میان آید، حکایت از آن دارد که آینده‌ای ماورای تاریخی که مستکبران شکل داده‌اند، در پیش است. و این راز و معجزه شهادت است و معلوم است که حضرت روح الله با آن بصیرت خاص خود برای ادامه تاریخی که با انقلاب اسلامی گشوده شده است؛ تقاضا کند: «خداوندا! این دفتر و کتاب شهادت را همچنان به روی مشتاقان باز، و ما را هم از وصول به آن محروم مکن. خداوندا! کشور ما و ملت ما هنوز در آغاز راه مبارزه‌اند و نیازمند به مشعل شهادت؛ تو خود این چراغ پر فروغ را حافظ و نگهبان باش.» موفق باشید